

فلسفه‌ی معرفت دینی

علی اکبر رشاد*

چکیده

آنگاه که با کاربرد منطق فهم دین، دستگاه معرفتی منسجمی را به دست می‌آوریم، برای تحلیل ماهیت و مختصات آن و تعیین کیفیت تکون، تکامل و تطور این دستگاه، و تشخیص انواع و علل تطور آن، ارزش‌سنجی معرفتی و بازشناسی خطاهای محتمل و علل وقوع خطا در آن، و مقارنه‌ی رهیافت‌های گوناگون به معرفت دین و دیگر احکام کلی «پدیده‌ی معرفت دینی»، نیازمند یک سلسله مطالعات فرانگر - عقلانی هستیم، که باید در هیئت یک دانش مستقل سامان یابد، ما چنین دانشی را **فلسفه‌ی معرفت دینی** می‌نامیم.

بدین‌سان فلسفه‌ی معرفت دینی عبارت خواهد بود از دانش عهده‌دار مطالعه‌ی فرانگر - عقلانی «محصل کاوش موجه برای کشف دین». فلسفه‌ی معرفت دینی از جمله‌ی فلسفه‌های مضاف و از تیره‌ی فلسفه‌های

* استاد حوزه علمیة تهران و دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مضاف به علم‌ها و معرفت‌هاست.

به‌رغم گستردگی قلمرو موضوعی فلسفه‌ی معرفت دینی و اهمیت و خطورت فوق‌العاده‌ی مباحث آن، هنوز این معرفت ارزشمند، در جهان اسلام و غیر آن، به‌صورت یک دانش مستقل سامان نیافته است، اما برخی مسائل مربوط بدان و مباحث مرتبط به آن را، کم و بیش و به‌طور پراکنده می‌توان در خلال آثار و علوم دارج و رایج دینی جست و یافت.

این مقاله درصدد طرح ضرورت تأسیس فلسفه‌ی معرفت دینی و تشریح محورها و مسائل مهم قابل بحث در این دانش است.

کلیدواژه‌ها: معرفت‌شناسی دینی، معرفت دینی، فلسفه‌ی مضاف، فلسفه‌ی

معرفت دینی، منطق فهم دین، کشف دین، دین، معرفت

* * *

مقدمه

این مقاله درصدد بررسی بایستگی تأسیس یا تدوین دانش جدیدی با عنوان «فلسفه‌ی معرفت دینی» است. برای اینکه این پیش‌نهاده، آن‌سان که درخور است تبیین گردد، دست‌کم، سه مطلب - هرچند گذرا و کوتاه - باید با هم مطرح شود:

۱. مفهوم‌شناسی و تعریف تحلیلی عنوان‌های: «معرفت دینی»، «منطق فهم دین»، و «فلسفه‌ی معرفت دینی»؛

۲. بیان زمینه‌ها و ضرورت‌های تأسیس دانش فلسفه‌ی معرفت دینی، و اشاره به پیاوردها و کارکردهای این دانش در ساحت دین‌پژوهی؛

۳. ارائه‌ی ساختار اجمالی معرفتی - منطقی مباحث فلسفه‌ی معرفت دینی.

اینک بررسی محورهای سه‌گانه:

یک) مفهوم‌شناسی

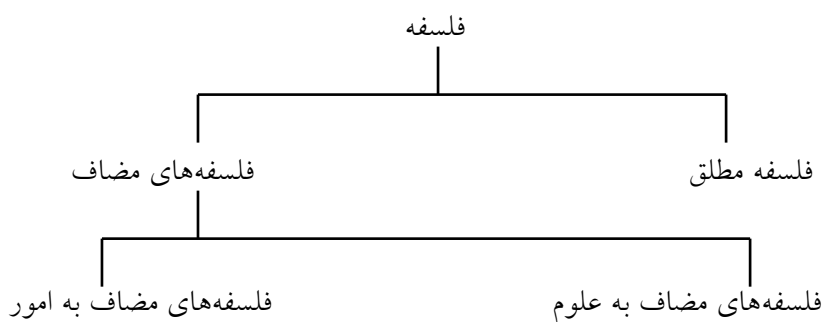
هرچند معرفت دینی را باید به معرفتی اطلاق کرد که «با حصول شروط و شرایط معتبر از لحاظ مبانی و منطق و فرایند فهم دین، صورت بسته باشد»، اما از باب مماشات، می‌توان هر معرفت حاصل از سعی روشمند هر دانشور دارای شأنیت برای تفسیر دین را، فی‌الجمله معرفت دینی خواند، و نیز به‌رغم اینکه به‌لحاظ لغوی تک‌گزاره‌های فراچنگ آمده از مواجهه با منابع دینی معرفت انگاشته می‌شوند، اما تعبیر «معرفت دینی» حاکی از اوصافی از قبیل انباشتگی، سازواری و هویت جمعی در معرفت است؛ بدین‌سان معرفت دینی عبارت خواهد بود از «محصل کاوش موجه و روشمند برای اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دینی، که به‌صورت معرفتی دستگاواری تکون یافته باشد».

در یک اطلاق کمابیش مسامحه‌آمیز، هرگونه روشگان مدعی - یا دست‌کم دارای شأنیت - اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دینی را، می‌توان «منطق فهم دین» خواند.

آنگاه که براساس مبانی مشخص و با کاربست دستگاه روشگانی خاصی برای فهم دین و اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دینی، معرفت دستگاواری تکون پیدا می‌کند، برای تحلیل پاره‌ای پرسش‌های فلسفی پیرامون آن، از قبیل «ماهیت» و «مختصات» آن، «کیفیت تکون، تکامل و تطور»، و «انواع» و «علل تطورات» آن، «درستی‌آزمایی» و «ارزش‌سنجی معرفتی» آن و نیز «بازشناسی خطاهای محتمل» و «علل وقوع خطاها» در آن، و «مقارنه‌ی معرفتی رهیافت‌ها»ی گوناگون بدان، و دیگر احکام کلی این پدیده‌ی معرفتی، نیازمند یک سلسله «مطالعات فرانگر - عقلانی» هستیم، این قماش مطالعات باید در هیئت یک دانش مستقل سامان یابد، چنین دانشی را باید «فلسفه‌ی معرفت دینی» نامید. بدین‌سان فلسفه‌ی معرفت دینی عبارت خواهد بود از «دانش مطالعه‌ی فرانگر - عقلانی معرفت دینی».

در یک طبقه‌بندی کلی، فلسفه می‌تواند به فلسفه‌ی مطلق (عام) و فلسفه‌های مضاف (خاص) تقسیم گردد، فلسفه‌های مضاف نیز به فلسفه‌های مضاف به علوم و فلسفه‌های مضاف به امور (البته امور «دستگاواری شده» ای که از قابلیت لازم برای طرح پرسش‌های فلسفی فراخور پیرامون آنها برخوردارند) دسته‌بندی می‌شوند. فلسفه‌های مضاف به علم‌ها

از نوع معرفت درجه‌ی دوامند؛ فلسفه‌ی معرفت دینی از جمله‌ی فلسفه‌های مضاف و از تیره‌ی فلسفه‌های مضاف به علم‌ها و معرفت‌هاست.



به‌رغم گستردگی قلمرو موضوعی و تنوع و کثرت مسائل فلسفه‌ی معرفت دینی و اهمیت و خطورت فوق‌العاده‌ی مباحث آن، و به‌رغم آنکه می‌توان پاره‌ای از مسائل و مباحث مربوط و مرتبط بدان را، کمابیش و به نحو پراکنده در خلال آثار فیلسوفان به‌ویژه فیلسوفان دین، و ارباب علوم دین به‌ویژه مفسران کتاب و سنت سراغ گرفت، اما هنوز در هیچ کجای جهان، این معرفت ارزشمند فلسفی، به‌صورت یک دانش مستقل سامان نگرفته است.

دو) بایستگی و برآیند تأسیس فلسفه‌ی معرفت دینی

ضرورت‌های بسیاری لزوم تأسیس دانش معرفت دینی را مبرم می‌دارد، از جمله:

۱. اهمیت و خطورت ذاتی معرفت دینی، به مثابه‌ی یک معرفتِ گران‌سنگ و بس گسترده و چالش‌خیز.
۲. دستاوردهای فراوانی که بر مباحث این دانشواره‌ی نوساخته و نوخاسته، در قلمرو معرفت‌شناسی و در حوزه‌ی دین‌پژوهی و دین‌ورزی بار می‌تواند شد.

توضیح اینکه

معرفت دینی - بالمعنی الأعم - از سویی در منظر اکثریت آحاد و جوامع، معرفتی مقدس است و عملاً به عنوان جایگزین دین نفس‌الأمری، متعلق ایمان است. از دیگر سو یکی از دیرسال‌ترین و تأثیرگذارترین دستگاه‌های معرفتی در صحنه‌ی حیات آدمی است.

۹

ذهن

فلسفه‌ی معرفت دینی

از سوی سوم، مباحث دین‌پژوهی - که غالباً منتهی به تولید نوعی معرفت دینی می‌گردد - در روزگار ما نیز یکی از گسترده‌ترین و زنده‌ترین تلاش‌های علمی و معرفتی است که در بستر آن صدها نحله و نهضت فکری، دانش و دستگاه علمی پدید آمده است که همچنان به حیات خویش ادامه می‌دهند، و این روند و فرایند نیز پیوسته استمرار خواهد یافت.

از سوی چهارم، مباحث معرفت‌شناسی به نحو عام و مباحث معرفت دینی به نحو خاص، اکنون یکی از - بلکه مهم‌ترین - چالشگاه‌های علمی میان ارباب معرفت و نخبگان جهان است، و قرائن بسیاری بر گسترش و ژرفایش فزاینده‌ی این چالش‌ها دلالت دارند، آن‌سان که به آسانی می‌توان حدس زد که «دین‌فهمی» و «دین‌ورزی» اکنون در حال بدل شدن به دغدغه‌ی اصلی جوامع بشری است.

از سوی پنجم، و مهم‌تر از همه‌ی نکات پیش‌گفته، نتایج تحلیل فرانگر - عقلانی معرفت دینی، کارکرد تعیین‌کننده‌ای در تصحیح معرفت به دین - از طریق دخالت دادن آنها برای اصلاح منطق فهم دین - دارد.

با توجه به نکات پیش‌گفته، خطورت و ضرورت مطالعه و تبیین احکام و احوال معرفت دینی - که برعهده‌ی فلسفه‌ی معرفت دینی است - آشکار می‌گردد.

سه) ساختار معرفتی - منطقی مباحث فلسفه‌ی معرفت دینی

عمده‌ی مباحث معرفت دینی در دو افق «دستگاه‌های معرفت دینی محقق» و «دستگاه معرفت دینی مطلوب» (برآمده از مبانی معتبر و منطقی مطلوب) قابل طراحی است؛ البته این در صورتی است که بحث از مبانی معرفت دینی محقق نشده (مطلوب) نیز فلسفه‌ی

معرفت قلمداد شود.

مباحث و مسائل اصلی دانش فلسفه‌ی معرفت دینی به شرح زیر است:

مبحث نخست. روش مطالعه‌ی معرفت دینی

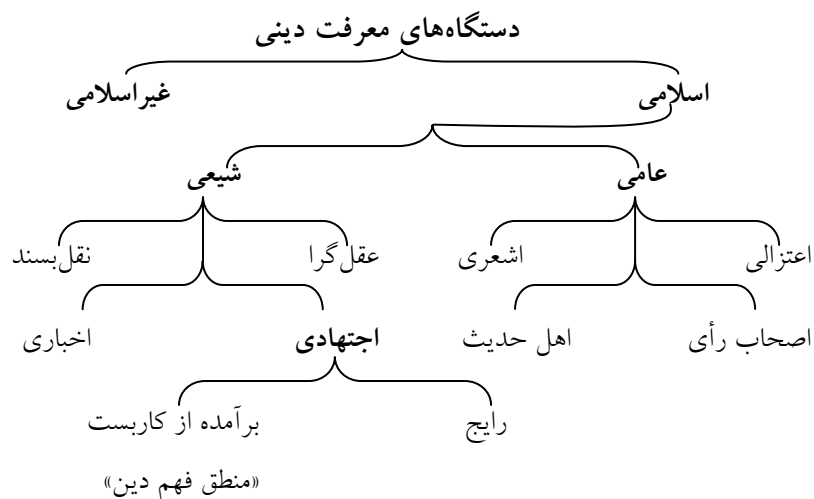
تحلیل «احکام کلی» پدیده‌ها، به اقتضای طبیعت فلسفی - معرفت‌شناختی این مباحث، باید به شیوه‌ی «فرانگر - عقلانی» صورت بندد، مطالعه‌ی معرفت دینی نیز از همین شیوه پیروی می‌کند. البته کاربرد استقرا در مقام گردآوری شواهد و نیز مراجعه به متون مقدس و نگاه درون‌دینی در مباحثی همچون درستی‌آزمایی معرفت دینی منافی روش فرانگر - عقلانی این مطالعه نیست.

مبحث دوم. چیستی معرفت دینی

۱. معیار (یا معیارهای) معرفت دینی.
۲. تعریف معرفت دینی بالمعنی الأعم (محصل سعی روشمند هر دین‌پژوه ذی‌صلاحیت، مبتنی بر مبانی خاص، برای اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دینی، که به صورت معرفتی دستگاوهار تکون یافته باشد).
۳. تعریف معرفت دینی بالمعنی الأخص (معرفت برآمده از کاربست «منطق فهم دین» پیشنهادی راقم).
۴. مختصات انواع دستگاه‌های معرفت‌های دینی (با لحاظ هریک از شاخص‌های هویت‌ساز هر کدام از دستگاه‌ها) به لحاظ اوصافی همچون:
 - ۱/۴. قاعده‌مندی، و عدم قاعده‌مندی.
 - ۲/۴. ثبات و تطور.
 - ۳/۴. واقع‌نمایی (مقام اثبات: تطابق با نفس‌الأمر دین - اصابت فهم به مراد الهی) و عدم آن.
 - ۴/۴. واقع‌مندی (مقام ثبوت: حکایت‌گری گزاره‌های معرفت دینی از واقع خارجی) و عدم آن.

مبحث سوم. گونه‌شناسی معرفت دینی

انواع دستگاه‌های معرفتی برآمده از هر یک از ادیان، می‌تواند به صور مختلف صورت بندد، از جمله به نحو تاریخی - طولی (در زمان) و تطبیقی و عرضی (هم‌زمان)، دستگاه‌های معرفت دینی، در ادیان و مذاهب مختلف، به انواع و عناوین گوناگونی قابل دسته‌بندی‌اند؛ از باب نمونه دستگاه‌های معرفت دینی موجود در جهان اسلام را می‌توان به شرح ذیل عنوان‌بندی کرد:



* دو تذکار

۱. به دلایلی - که اکنون مجال بحث آن نیست - طبقه‌بندی غیرمتداخل دستگاه‌های معرفت دینی بس دشوار بلکه غیرممکن است.
۲. با لحاظ این نکته که نوعاً معرفت دینی از قضایا و قیاسات - از جهت منابع و مواد و... - متفاوت و متنوعی تشکیل می‌گردد، قیاسات و قضایای هریک از دستگاه‌های معرفت دینی نیز می‌تواند به اقسام مختلف تقسیم گردد.

مبحث چهارم. هستی‌شناسی معرفت دینی

در ذیل هستی‌شناسی معرفت دینی می‌توان در دو سطح سخن گفت: ۱. احکام فرادستگاهی (معطوف به احکام وجودشناختی دستگاه‌ها به مثابه دستگاه)؛ ۲. احکام فراقضیه‌ای (معطوف به احکام وجودشناسی قضایای معرفت دینی)؛ پرسش‌هایی از قبیل موارد زیر درباب هستی‌شناسی معرفت دینی قابل طرح است:

- آیا (دستگاه‌ها و قضایا) همگی واقعمند، یا همگی ناواقعمند، یا دوگانه‌اند؟
- آیا (دستگاه‌ها و قضایا) همگی اعتباری، یا همگی حقیقی، یا دوگانه‌اند؟
- آیا (دستگاه‌ها و قضایا) همگی معرفت درجه‌ی یک، یا همگی معرفت درجه‌ی دو یا دوگانه‌اند؟

مبحث پنجم. ارزش‌سنجی معرفتی معرفت دینی

۱. امکان و عدم امکان معرفت دینی.
۲. نسبت معرفت دینی با نفس‌الامر دین (میزان واقع‌نمایی اثباتی قضایای معرفت دینی در دستگاه‌های گوناگون و در حوزه‌های مختلف [عقاید، علم دینی، اخلاق، احکام] هندسه‌ی معرفتی دین).
۳. ملاک صدق معرفت دینی (در دستگاه‌های معرفتی گوناگون)
۴. مناسبات تعاملی و تعارضی معرفت دینی با دیگر معرفت‌ها (معرفت دینی و معرفت علمی، معرفت دینی و معرفت شهودی، معرفت دینی و معرفت فلسفی، ...)

مبحث ششم. مصادر و مناشی معرفت دینی

۱. مراد از مصادر و مناشی معرفت دینی.
۲. تبیین مصادر و مناشی تولید و تکون معرفت دینی در دستگاه‌های (معرفت دینی) مختلف
۳. تبیین مبادی و منابع معرفت دینی، براساس نظریه‌ی سازه‌ی سه ضلعی تکون معرفت و نظریه‌ی ابتنا و منطوق فهم دین مطلوب (پیشنهادی راقم).

مبحث هفتم. تکون معرفت دینی

۱. مراد از تکون معرفت دینی.
۲. تبیین فرایند و سازکار تکون معرفت دینی، براساس نظریه‌های گونه‌گون.
۲. تبیین و اثبات «نظریه‌ی ابتدا» (نظریه‌ی مختار در تکون و تطور، تکامل و تنازل معرفت دینی).

مبحث هشتم. تحول معرفت دینی

۱. مفهوم‌شناسی تطور معرفت.
۲. تبیین فرایند و سازکار تطور (تحول) معرفت دینی، براساس نظریه‌های مختلف.
۳. انواع تحول (تطورات) معرفت دینی.
۴. طبقه‌بندی عوامل تحول معرفت دینی.
۵. معیار تحول «ارتقایی» و تکاملی، و تحول «قهقرایی» و تنازلی معرفت دینی.

مبحث نهم. هندسه‌ی معرفت دینی

۱. مراد از هندسه‌ی معرفت دینی.
۲. اضلاع و ساحات معرفت دینی.
۳. ساختار و بافتار معرفت دینی (شاکله‌ی معرفت دینی) براساس نظریه‌های مختلف.
۴. نظریه‌ی مختار در هندسه‌ی معرفت دینی براساس نظریه‌ی ابتداء (هرم - شبکه‌سانی ساختار معرفت دینی).

مبحث دهم. کارکردهای معرفت دینی

۱. کارکرد منطقی (روشگانی) معرفت دینی در طراحی «منطق فهم دین» مطلوب.
۲. کارکردهای معرفتی معرفت دینی.
۳. کارکردهای ایمانی و آرمانی معرفت دینی.

۴. کارکردهای عملی (معیشتی) معرفت دینی.

خاتمه. سنجمان معرفت دینی

۱. چیستی آسیب و آسیب‌شناسی معرفت دینی،
۲. گونه‌شناسی و طبقه‌بندی آسیب‌ها و علل آن،
۳. سامانه‌ی سنجمانی و انواع سنجه‌های معرفت دینی،
۴. شیوه‌های آسیب‌زدایی و مواجهه‌ی پیشگیرانه با آسیب‌ها.

تذکارات مهم

یک. بازپژوهی فرانگر - عقلانی‌دانش‌های مستنبط از کتاب و سنت، بلکه از مطلق منابع معتبر دینی نیز (با لحاظ اقتضائات مختصات هر کدام از علم‌ها) می‌تواند به عهده‌ی فلسفه‌ی معرفت دینی باشد.

دو. دو مبحث از میان مباحث فصول فلسفه‌ی معرفت دینی، مهم‌ترین رسالت فلسفه‌ی معرفت دینی، قلمداد می‌شوند:

۱. «تگون معرفت دینی»، که به بررسی فرایند و تحلیل و تفکیک انواع مبادی ذی‌نقش و ذی‌سهم در تکون معرفت دینی می‌پردازد.

۲. «تحوّل معرفت دینی» که به بررسی استقرایی علل و انواع تحوّل در معرفت دینی و ارزیابی نظریه‌های تحوّل و ارائه‌ی نظریه‌ی مطلوب خواهد پرداخت.

اصولاً حتی مسئله‌ی «ماهیت معرفت دینی»، یعنی بررسی سرشت و صفات معرفت دینی، قابل اتخاذ و اصطیاد از دو محور فوق است. مسئله‌ی آسیب‌شناسی و بررسی «تخطی معرفت دینی» نیز به‌نحوی به همین دو مسئله بازمی‌گردد. ارزش معرفتی معرفت دینی نیز، مبتنی بر این دو مسئله است. عمده‌ی چالش‌های فکری‌ای که در دو دهه‌ی اخیر در ایران و پیش از آن، در برخی نقاط جهان اسلام و پیش‌تر از آن نیز در دنیای غرب جریان داشته است و همچنان ادامه دارد، پیرامون همین دو مسئله بوده است و سایر مسائل به‌نحوی متخذ از (یا مترتب بر) این دو مسئله و نوع پاسخی‌اند که از آنها به‌دست می‌آید.

سه. مسئله‌ی تکون معرفت دینی، از حیثی با فلسفه‌ی منطق اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دین و فلسفه‌ی منطق فهم دین، و از حیث دیگر با فلسفه‌ی معرفت دینی در پیوند است؛ از این رو، سه دانش: ۱. منطق فهم دین، ۲. فلسفه‌ی منطق فهم دین، ۳. فلسفه‌ی معرفت دینی در این نقطه، با هم تلاقی می‌کنند؛ از دیگر سو نظریه‌ی مبنایی که منطق اکتشاف قضایای دینی بر آن مبتنا می‌یابد، به نحو اساسی، تحت تأثیر پاسخ‌های دو فلسفه‌ی مضاف یادشده به همین مسئله، شکل می‌گیرد.

به تعبیر دیگر: «مبنای منطق اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دینی» به نحو پیشینی و به منظور تأسیس اصول و اساس دانش منطق فهم دین، به مقوله‌ی تکون، تکامل و تحول معرفت دینی می‌پردازد، دانش منطق فهم دین (مورد پیشنهاد راقم) با پذیرش انگاره‌ی پیاموارگی دین و براساس برآیند روش شناختی سرشت و صفات اضلاع پیام دینی صورت می‌بندد، فلسفه‌ی معرفت دینی به تحلیل فرانگر - عقلانی پدیده‌ی معرفت دینی - که برآیند کاربست روش‌شناسی ناشی از فرآیند پیامواره‌انگاری دین است - به مسئله‌ی تکون و تکامل و تطور فهم دین و معرفت دینی می‌پردازد. بنابراین هر سه دانش با «مبادی تکوین کشف/فهم دین» و «مسئله‌ی تکون معرفت دینی» درگیر هستند.

چهار. اگر پرسش شود، معرفت به دین چگونه تکوین می‌یابد؟ (براساس نظریه‌ی مبتنا) پاسخ خواهیم شنید: با تنسيق و مضبوط کردن کارکردها و کاربست مبادی خمسه (مبادی مبدأشناختی، دین‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، و قلمروشناختی)؛ وقتی راجع به معرفت دینی (نه معرفت دین) نیز بحث می‌کنیم، از جمله می‌خواهیم بفهمیم که معرفت دینی تا چه میزان از آن مبادی تأثیر پذیرفته و تا چه حد عوامل حقاً و نابحق دخیل در تکون و تحول معرفت دینی دخالت کرده است؛ از این رو بایسته است ترابط و تمایز سه دانش منطق فهم دین، فلسفه‌ی منطق فهم دین و فلسفه‌ی معرفت دینی، مورد بازکاوی قرار گیرد. این بازکاوش دستاوردهای معرفتی ارزشمندی را در پی خواهد داشت.

این مقاله کوتاه، مجال طرح و بررسی این ترابط و تمایز نیست، از این رو آن را به فرصتی دیگر احاله می‌کنیم، اندکی از بسیار در زمینه‌ی مسئله‌ی ترابط و تمایز میان فلسفه‌ی معرفت دینی و منطق فهم دین را در بخش سوم کتاب منطق فهم دین بررسی کرده‌ایم.

